

فروق معنایی اوزان مشتقات مثل صیغ مبالغه و صفت مشبیه و ... در قرآن کریم

حجت الاسلام و المسلمین عباس قدیمی نژاد

اگر بر فرض بپذیریم که در زبان عربی مشتقات صرفاً به صورت لفظی باهم تفاوت دارند اما در زبان قرآن که از حکیم صادر شده است قطعاً اختلاف اوزان اختلاف معنا را داراست .

برخی زبان ها با پیشوند ها پسوند ها و ... اشتقاق دارند . آنچه مخصوص زبان عربی است اوزان و صیغ خاص است .

مثلاً (طَلَب، طلاب، طلبه) با هم فرق دارند یا نه ؟ تولید معنای جدید دارند یا نه؟

کلمات و جملات در تمام زبان ها کلمات و جملاتی وجود دارد که غالباً نماینده تصورات و تصدیقات ذهنی و یا گاهی بیانگر علم حضوری است .

کلمات به طور کلی به دو قسم بزرگ تقسیم می شود :

۱. مستقلات (اسماء و افعال) :

صیغ و کلمات زیادی وجود دارند که با ویژگی هایشان نمی شود کاملاً این ها را زیر مجموعه اسم دانست و نه کاملاً زیر مجموعه فعل دانست . در ادبیات سنتی این کلمات جدی گرفته نشده اند و در اسم ها بیان شده اند . این کلمات همان مشتقات ۸ گانه اند که مقدار بهره ای از اسم و بهره ای از فعل دارند. کوفی ها این نوع صفات را، فعل دائم می نامند چون یک حالت فعلی نیز در آن وجود دارد مثلاً در معانی القرآن فرأء که از بزرگان نحو کوفی هست میگوید فلان کلمه فعل دائم است. ادبیات عرب علوم اعتباری است که بهترین طریق یادگیری آن آسانترین راه است .

پس اگر می گفتیم کلمات مستقل سه قسم است : اسم، فعل، وصف؛ مشکلی پیش نمی آمد . عبدالله دایل در کتاب الوصف المشتقّ به این موضوع اشاره کرده است .

پس اگر برحسب استفاده از کلمات آن را به چهار قسم تقسیم می کردیم : اسم، فعل، حرف، وصف مشکلی نخواهد داشت کما اینکه برخی آن را مثل دکتر حسّان تمام آن را هفت قسم می داند .

چه نامی برای آن مشتقات باید انتخاب کرد؟ غروض نام خوبی است چون امکان دارد ثبوت داشته باشد امکان دارد حدوث داشته باشد.

در صمدیه شیخ بهایی می گوید:

إن وضع ... ۳. او لمنسوب الیه حدث فمشتقّ.

مشتقات: صفت یا وصف نامیده می شوند.

این در ادبیات عربی عام بحث شده است.

اصطلاح صرفی صفت: کلمات مشتق،

اصطلاح نحوی صفت: توابع،

اصطلاح اصولی صفت: هر قیدی در متن حتی جارو مجرور.

تعداد مشتقات:

چند تا از این مشتقات در علم نحو بحث می شود؟

تقسیم به ۸ قسم، شیوه رایج است که عبارت است از اسم فاعل، اسم مفعول، صفت مشبیه، اسم تفضیل، صیغه مبالغه، اسم زمان، اسم مکان، اسم آلت.

عده ای مثل اشمونی و ابن مالک و... اسم زمان و مکان و آلت را به عنوان مشتق قبول ندارند به این دلیل که این ها صاحب حدث ندارند.

کسانی که قائل به پنج مشتق اند توجیهی برای آن می گویند که مراد از صاحب حدث فقط (مالک الوجود) نیست بلکه گاهی (ما فی الوجود) است.

در نتیجه قائلین به هشت مشتق، حالت اشتقاقی را دیدند چون این ها همه از فعل مشتق شده اند، و قائلین به پنج مشتق، حالت توصیفی را در نظر داشتند.

اما ادبیات معناگرا با قائلین به پنج تا بودن موافق تر است چون جنبه معنایی را می گویند .

تعاریف مشتقات

ابتدا تعاریف مرسوم را می گوئیم :

اسم فاعل : وصف دل علی المحدث و الحدوث.

حدوث : صدور و وقوع متغیر یک فعل است یعنی برای آن زمان تعیین نشده است .

پس اسم فاعل یک متغیر دارد که در برابر ثبوت مطرح است مثل ضارب که زمان دائمی ندارد .

که کوفیون می گویند : فعل دائم است .

دکتر مخزومی در کتاب النحو الکوفی ترویج فعل دائم را می گوید.

علاوه بر اینکه وزن اسم فاعل تولید معنای ثبوتی و حدوثی دارد ۶ استفاده دیگر هم دارد :

۱. دلالت بر ثبوت وصفی می کند مثل صفت مشبهه < معتدل القامه، طاهر القلب .

۲. دلالت بر مبالغه دارد مثل خالق و رازق که معادل خلاق و رزاق است .

۳. دال بر مفعول است مثل عیشه راضیه ، ماء دافق .

لا عاصم الیوم : در کلمه عاصم اختلاف است که معنای فاعل دارد یا مفعول .

۴. دال بر معنای مصدری دارد مثل کاذبه، کاشفه، باقیه، عافیة و... که دال بر کذب، کشف، بقاء، عفو و... است .

۵. دال بر اتصاف عددی است که یا مراد همان اعداد ترتیبی است مثل ثلثه ،

و یا دال بر تبعیض عددی است و آن وقتی است که بر مبدأ اشتقاق خود اضافه شود مثل ثانی اثنین، ثالث ثلاثه ،

و یا دال بر تصییر عددی دارد مثل ثلاثة رابعهم کلیهم او خمسة سادسهم کلیهم،

۶. دال بر نسبت دارد مثل دارع : أی ذو درع ، رامح أی ذو رمح . نابل: ذو نبل.

تذهل کل مرضعة ... : ذو رضیع .

اسم مفعول : وصف دل علی المحدث و الحدوث .

در اینجا زمان را از فعل بالا می رود و دوام ندارد .

می تواند دوام داشته باشد مثل یداه مبسوطان . اینجا مبسوطان صفت مشبیه است که بر وزن اسم فاعل

است .

۳. اسم مبالغه : وصف دل علی المحدث أو المحدث مع الثبوت و المبالغة .

فَعول، فعیل مفعل و

گاهی همین اوزان صیغه مبالغه معنای اسم مفعول نیز دارد مثل ضحکة أی مضحوک، رجیم أی مرجوم .

رکوب : مرکوب .

۴. صفت مشبیه : وصف دل علی الذات و الحدث مع الثبوت ، در اینجا فقط بر دوام دلالت دارد اما به

شدت و کثرت و ... ندارد . فقط فراگیری زمانی به حدث میدهد مثل همان مُعتدل القامة.

در عرب قدیم این اسلوب به لحاظ معنایی رعایت شده است که اگر صفتی ثابت نبوده آن را به وزن

اسم فاعل می آوردند مثل و لعلک ... ضائق به صدرک که اگر می گفت ضیق به صدرک یعنی همیشه

دلت گرفته است .

بیشتر افعال لازم را در بر می گیرد عالی الرأس و

برای صفت مشبیه اوزانی را ذکر کرده اند تقریباً به صورت قیاسی قاعده است.

۵. اسم تفضیل : درباره اسم تفضیل متاسفانه تعریف به برتری دادن یک شیئی بر چیزی است، باعث ایجاد اشتباه در مفاهیم قرآن می شود مثلا در هُوَ أَهْوَنُ عَلَيَّ و یا در عبارت هُنَّ أَطْهَرُ لَكُمْ اشتباهی ایجاد می کنیم که شاید خلقت ابتدای جهان مقداری دشوار بوده و یا اینکه گناه قوم لوط طاهر است اما ازدواج با دختران او أَطْهَرُ است درحالی که این ها با عظمت خدا و جایگاه پیامبری حضرت لوط سازگار نیست .

گاهی مفاضله برای بیان توصیف است و یا بیان عالی ترین توصیف است .

۲. غیر مستقل (حروف و ادوات) : همان چیز هایی که در مغنی البیب بیان شده است .

فروق معنایی مشتقات

در کتاب معانی الابنیه جناب فاضل صالح سامرای می گوید: لغت شناسان و ادباء قدیم به فروق معنایی کلمات اهمیت ندادند و البته گاهی برخی فروق را گفته اند اما این بحث را ناقص رها کردند ، و ما ادامه کار آن ها را تکمیل می کنیم که فرق اوزان با هم چیست .

ملاک تقسیم ادبای قدیم

۱. زمان : حالت دوام

۲. لزوم و تعدیه

۳. وزن و صیغه

نگاه این بزرگواران عقلانی و فلسفی است و نه معنایی و نتیجه محور .

درباره فِعُول سه نظر است :

۱. فارابی گفته است برای دوام فعل می آید.

۲. عده ای گفته اند برای کثرت فعل می آید .

۳. عده ای گفته اند برای شدت فعل می آید .

۴. نظر جناب فاضل صالح سامرای: فَعول از ابتدا اسماء ذوات بوده مثل وَقود و سعوط و... وقتی صفت می شود آثار معنایی را از اسم به سوی صفت حمل می کند.

جمع بندی :

۱. آنچه مهم است ادبیات عربی قرآنی است چون بسیاری از احکامات و ... از آن برداشت می شود .

۲. قطعاً قرآن از ظرفیت های ادبیات عربی صرفی نحوی لغوی بلاغی و ... عصر نزول استفاده کرده است اما مطمئناً محدود به آن نخواهد بود .

۳. قطعاً هر نظریه مفیدی در ادبیات قرآن باید دست کم کمترین استدلال و شواهد ادبی و زبانی باید برخوردار باشد و ما نمیخواهیم سلیقه ای برخورد کنیم .

۴. بخش عظیمی از کلمات عربی دارای صیغ ویژه ای اند که در حدفاصل بین اسم و فعل اند و ما باید فروق این صیغ را باهم معین کنیم البته نه به صورت فلسفی و هندسی .

۵. در طول تاریخ مطالعات اسلامی و علمی چارچوب هایی برای تعاریف وجود دارد که ما نمی خواهیم این ها را به هم بزنیم بلکه می خواهیم رشدش بدهیم و اصلاحش کنیم .

۶. ادبیات معنا گرا از دو اصطلاح صفت مشبیه و صیغه مبالغه به صورت دو تا معیار معنایی استفاده می کند و آن این است که صفت مشبیه زمان دار ترین صفت است و اسم مبالغه شدیدترین و متکثر ترین صفت است .

اسم فاعل و اسم مفعول را بدون هیچ قید زمانی فعل را به طور عادی نشان می دهد. اسم تفضیل هم در بین اینها است.

۷. در ادبیات معناگرا باید قرائن را از روایات و ... در خارج بررسی کرد .

